

موشکافی مسائل فرهنگی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام محمد صادقپور، پژوهشگر و نویسنده کتاب «خستگی فرهنگی»

کار فرهنگی از خستگی و سطحی‌نگری رنج می‌برد

■ علی شیرین

هیچ ایرانی باهویت و بااصالتی نمی‌تواند در برابر کمرنگ‌شدن ارزش‌های فرهنگی، ملی و ناهنجاری در سطح جامعه و در میان نسل جدید بی تفاوت و بی‌دغدغه باشد. بی‌تردید چشم‌پسستن برانحرافات و کجروی‌ها و عبور ساده‌اندیشانه از این نارسایی‌ها که ریشه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و بخشی هم امنیتی و خارجی دارد، در بلندمدت می‌تواند یک آسیب جدی محسوب شود. بسیاری از صاحب‌نظران و تصمیم‌سازان سیاسی، فکری و مدیران و مجریان فرهنگ‌محوری را در اجتماع اولویت و مقدم بر هر گونه اقدامات قهری یا سلبی در کاهش ناهنجاری‌ها و سوءفنارها و قانون‌گریزی‌ها می‌دانند، اما عملاً از کار فرهنگی که خبری نیست هیچ، به‌موانع و محدودیت‌های این عرصه یا لزوم توجه به سایر عوامل هم بی‌اعتنایی می‌شود. برای مثال در زمینه فرهنگ حجاب و عفاف بیش از ۳۰دستگاه، سازمان و نهاد دخیل، تصمیم‌گیر، تصمیم‌ساز و دارای مسئولیت هستند، اما عملاً خروجی عملکرد این جمع بسیار محدود، غیرقابل توجه و بی‌تأثیر است. در گفت‌وگو با دکتر محمدصادقپور، نویسنده، محقق، فعال فرهنگی، مدرس حوزه و دانشگاه عوامل مشکلات فرهنگی و به اصطلاح «خستگی فرهنگی» را که موضوع یک کار پژوهشی ایشان است به بررسی نشست‌ایم.

■■■

چه شد سراغ تألیف کتاب «خستگی فرهنگی» رفتید، این کتاب حاصل کار فکری است یا تجربی و عملی؟

در رابطه با سؤال اول باید این را بگویم که خدا توفیق داد از دوران نوجوانی با مسجد و هیئت مانوس بودم و جزو مری‌هایی بودم که در همین مساجد، کلاس‌های احکام، عقاید، قرآن و امثال اینها بر گزار می‌کردم. بعد از اینکه دانشجو و در دانشگاه قم مشغول تحصیل درس ریاضی محض شدم، همزمان کار مربیگری را هم در مسجد شروع کردم و خدا توفیق داد بعد از اتمام دانشگاه رفقتم حوزه علمیه و در این مقطع مقداری کارهای فرهنگی ام عمیق‌تر شد و بیشتر تم مذهبی پیدا کرد و پس از مدتی هم فرماندهی پایگاه مسجدی را پذیرفتم. ما تئییی بودیم که از قدیم با همدیگر کار می‌کردیم، چند طلبه و دانشجو که در آن مجموعه همراه هم بودیم ابتدا فرمی را طراحی و هدف‌گذاری یک ساله، پنج ساله و ۱۰ساله کردیم. فعالیت‌های دقیق و عمیق در حوزه کار فرهنگی انجام شد و الحمدلله توانستیم در سال ۱۳۹۳ رتبه اول تهران در سال ۱۳۹۴ رتبه اول کشور را در این حوزه کسب کنیم. این به برکت آن تیم خوش‌فکر بود که توانست این افتخارات را کسب کند. کم‌کم مشغول تدریس شدم. بعد از اینکه کارشناسی ارشد قبول شدم در حوزه علمیه مشغول تدریس در حوزه ادبیات عرب شدم و بعد هم به آموزش و پرورش‌هایی که دادم و آموزش‌هایی که دادم در حوزه کار تربیتی و فرهنگی به تدریج در این حوزه هم کم‌کم مشغول کار و تدریس شدم؛ تدریس در حوزه تربیت فرزند، در حوزه خانواده خصوصاً مشاوره قبل از ازدواج و همچنین مشاوره به مجموعه‌های فرهنگی برای پیشبرد کارهای‌شان، بهینه‌سازی مجموعه‌ها و جلوگیری از هدررفت سرمایه مجموعه‌ها، با مجموعه‌های مختلفی رفت و آمد داشتم و صحبت کردم، در مجموعه‌های مختلفی مشغول داشتم و فعالیت داشتم و تجربیات خود را می‌نوشتم، بنابراین حاصل این فعالیت‌ها شد این ۲۰عاملی که ما احصا کردیم. ممکن است افراد دیگری هم بتوانند به این ۲۰عامل اضافه و عوامل دیگری را هم احصا کنند که به این فرایند کمک کند.

عواملی که از ناکارآمدی فرهنگی احصا شده چرا منحصربه‌یک حوزه خاصی نیست و بیشتر در چه مراکز یا قایل مشاهده هستند و برای رفع آن چه باید کرد؟

رفقای را می‌دیدم که در همین سال‌ها فعالیت فرهنگی آنها با حداقل پهریزی به ثمر می‌نشت ولی به مرور هدررفت انرژی زیاد بود و این هدررفتها باعث می‌شد او پس از مدتی خسته شود و تقریباً کار فرهنگی را رها کند و یک گوشه‌ای برود و به یک مصرف‌کننده کار فرهنگی تبدیل شود، اما اینکه چرا در حوزه‌های مختلف فرهنگی به یک حوزه خاصی اشاره نکردم، علتش این است که این عوامل در هر کار فرهنگی اگر وجود داشته باشد، چه در مسجد باشد یا کانون و حوزه یا دانشگاه، مدرسه یا در عرصه‌های هنری باشد، می‌تواند آن کار و پروژه فرهنگی را زمین‌بزد و مسئول فرهنگی را خسته کند، لذا این ۲۰ عاملی که ما احصا کردیم، عواملی هستند که در حوزه کار فرهنگی در هر جایی می‌تواند آسیب‌زننده و مخل فعالیت‌ها باشد. به طور مثال اشتباه در انتخاب هدف دومین بحثی است که مادر این کتاب به آن پرداخته‌ایم، یعنی یک فعال فرهنگی هدف اشتباهی را برای مجموعه خودش ترسیم کند. این موضوعی که هم در مسجد می‌تواند صادق باشد، هم در دانشگاه، هم در حوزه علمیه، هم در مدرسه‌های ما، هم در مراکز فرهنگی و هم در میان سیاستگذاران کلان ما مثلاً سیاستگذاران وزارت ارشاد، سیاست در حوزه علمیه، در سازمان تبلیغات اسلامی، در شورای عالی انقلاب فرهنگی و هر جایی این عامل می‌تواند آسیب‌های جدی وارد کند، اگر هدف اشتباه ترسیم شود، طبیعتاً جامع‌ای را می‌تواند به مسیر اشتباهی برود، حالا این جامعه هدف می‌تواند یک مسجد باشد مثلاً یا ۱۰۰ تان‌جوان، می‌تواند شورای عالی انقلاب در فرهنگی باشد یا میلیون‌ها ایرانی!

می‌توان گفت نگارش این اثر بر خاسته از حضور

و نقش آفرینی شما در کف میدان است؟ چون در جای‌جای آن شاهد مثال‌های تجربی و محسوس هستیم؟

من از کف میدان پر تلاطم فرهنگی برخاستم‌ام و در همه این ۲۰سالگی که مشغول کار فرهنگی بودم، ویژگی‌ها و ضعف‌های این عرصه را به خوبی دیده و لمس کرده‌ام. افراد موفق و افراد شکست‌خورده این مسیر را دیده‌ام از آنجا که کار فرهنگی تمیز را بنده ادامه کار انبیا(ص)، شهدا و در راستای حفظ انقلاب اسلامی می‌دانم، تلاش کرده‌ام این کتاب را به زبان ساده در حوزه آسیب‌یابی و آسیب‌شناسی فرهنگی تدوین و تألیف کنم که جلوی خستگی و زمین‌خوردن و فرسودگی فعالان فرهنگی را بگیرد یا هدررفت انرژی و توان‌شان را به حداقل برساند، بنابراین عواملی را که در این سال‌ها در کف میدان کار فرهنگی دیده‌ام، احصا کرده‌ام و برای اینکه از این قضیه پیشگیری کنیم، طبیعتاً باید از پیشگیری‌های اجتماعی استفاده کنیم. پیشگیری اجتماعی نیاز به زمان دارد، نیاز به آموزش و فرهنگ‌سازی دارد که باید با سیاستگذاری‌های کلان و برنامه‌ریزی دقیق به این مهم دست پیدا کنیم.

آیا همه مشکلات، ناهنجاری‌ها و نارسایی‌های جامعه با صرف فعالیت فرهنگی برطرف می‌شود یا مجموعه‌ای از عوامل دخیلند؟ این عوامل کدامند؟

فرهنگ به معنای آعاش شامل هر نوع حرکت ایجابی و سلبی است، یعنی هم تشویق و هم تنبیه جزو کار فرهنگی محسوب می‌شود. این معنای عام کار فرهنگی است، اما آن فرهنگی که در ذهن شما و مردم جامعه نقش بسته است، غالباً به کارهای آموزشی و ایجابی محدود می‌شود. من بر اساس آن اگر بخواهم توضیح بدهم، حتی خداوند هم معتقد نیست که همه کارها باید با کار فرهنگی و امثالهم حل شود. شما به قرآن نگاه کنید، در کنار همه دعوت‌ها، همه استدلال‌ها و همه کارهای ایجابی که خدا دارد و به آنها در قرآن کریم اشاره کرده، کارهای سلبی هم وجود دارد، انذار و محرومیت هم وجود دارد. گاهی اوقات آن مشکل و معضل در جامعه آنقدر خطرناک است که خدا دستور به حذف می‌دهد. من معتقد برخی از مردم با قریان و صدقه رفتن و با آموزش دین و با کار فرهنگی اصلاح می‌شوند، اما حتماً باید در کنار این مسائل فرهنگی و آموزشی، قوه قهریه هم وجود داشته باشد، مثلاً سارق که کارا را مرتکب جرم می‌شود، خدا با او مواجهه سختی دارد، این آدم با قربان صدقه رفتن کارش پیش نمی‌رود. باید تنبیه کنیم، یک جایی باید قطع بد شود، یک جایی باید حبس شود. حبس ابد شود و امثال اینها که در حقوق و قوانین ما هست. این فقط محدود به کشور ما نیست که شما بگویید کشور اسلامی است. شما در لایک‌ترین و سکولارترین کشورهای دنیا هم بروید، در کنار همه فعالیت‌های فرهنگی و قانونی، اقدامات سلبی هم دارند، چون برخی از آدم‌ها هستند به جهت غلبه هواهای نفسانی در وجودشان و اینکه دنبال



۶۶

من از کف میدان پر تلاطم فرهنگی برخاستم‌ام و در همه این ۲۰سالگی که مشغول کار فرهنگی بودم، ویژگی‌ها و ضعف‌های این عرصه را به خوبی دیده و لمس کرده‌ام. افراد موفق و افراد شکست‌خورده این مسیر را دیده‌ام، از آنجا که کار فرهنگی تمیز را بنده ادامه کار انبیا(ص)، شهدا و در راستای حفظ انقلاب اسلامی می‌دانم، تلاش کرده‌ام این کتاب را به زبان ساده در حوزه آسیب‌یابی و آسیب‌شناسی فرهنگی تدوین و تألیف کنم که جلوی خستگی و زمین‌خوردن و فرسودگی فعالان فرهنگی را بگیرد یا هدررفت انرژی و توان‌شان را به حداقل برساند

لنت‌های سیری‌ناپذیر دنیوی هستند، فعالیت‌های فرهنگی و پیشگیری‌های اجتماعی در آنها اثر نمی‌کند، بنابراین در این مرحله قانون باید محکم در برابر اینها بایستد، البته برای حل اکثر مشکلات ما باید از راهکار فرهنگی استفاده دوم، اما در برخی از مشکلات و معضلات جامعه صرفاً راهکار فرهنگی کافی نیست. در کنار راهکار فرهنگی کارهایی مثل این پاکسازی محیط، پیشگیری وضعی، حل مسائل اقتصادی و رسیدگی به امور معیشتی و تعقیب داسری و محاکمه هم باید باشد تا ما بتوانیم معضلات و مشکلات اجتماعی را جامعه رفع کنیم.

آیا مباحث حجاب و عفاف و ترغیب به پوشش مصداق کار فرهنگی تلقی می‌شود، شما به چه پیش‌زمینه‌ها و زمینه‌هایی در این عرصه معتقدید؟

در حوزه حجاب و عفاف و پوشش در تعریف کلاهی که از فرهنگ وجود دارد، نوع پوشش انسان‌ها نشان‌دهنده فرهنگ آنهاست، اما در لایه‌های روبین فرهنگ قرار دارد، یعنی اصلش را اگر بخواهید، نوع پوشش ریشه در نوع تفکر و شناخت دارد که جزو لایه‌های عمیق فرهنگی محسوب می‌شود. به هر حال فرهنگ لایه‌های مختلفی دارد که الا‌ان جایش نیست ما به آنها بپردازیم، اما نوع پوشش انسان‌ها آن لایه‌های روبین و اولیه فرهنگ و از جهتی مهم است، چون ریشه در لایه‌های زیرین دارد، می‌تواند این لایه‌های روبین به ما نشان دهد در لایه‌های زیرین فرهنگ ما چه اتفاقاتی دارد می‌افتد. من بر عکس این شعر معروف که می‌گویند: نه همین لباس زیباتر نشان آدمیت! معتقدم برخی جاها در فرهنگ ما این عکس این شعر معروف که می‌گویند: نه همین لباس زیباتر نشان آدمیت! معتقدم برخی جاها نوع پوشش حکایت از یک فرهنگ، یک فکر و یک عقیده در آن جامعه دارد، نوع پوشش نشان‌دهنده لایه‌های زیرین فرهنگ است که نشان می‌دهد چه خبر است! بنابراین آن کسی که کار فرهنگی می‌کند، قطعه به یک لایه روبین نگاه نمی‌کند که بگوید من این پوشش را الا‌ن چطور ی حلش کنم که این فقط یک روسری سرش بگذارد یا یک لباس مناسب ببوشد که بدن نما نباشد. اهل فرهنگ مقطعی کار نمی‌کنند، آنها ریشه این پوشش را که در لایه‌های زیرین فرهنگ ما وجود دارد پیدا و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند. این لایه‌های روبین که یک نمونه‌اش پوشش و حجاب باشد نشان می‌دهد پیشروی یا پسروی دشمن در میدان جنگ فرهنگی چگونه است؟ چون ما معتقدیم فرهنگ‌ها لایه‌به‌لایه هم‌دیگر حرکت می‌کنند، یعنی چه؟ یعنی جسیبیده به هم هستند و دارند مدام همدیگر را هل می‌دهند که اصطلاحاً جنگ فرهنگی می‌گوییم. اگر او پیشروی کرده نشان می‌دهد که توانسته است آن عقاید زیرین فرهنگی، یعنی تفکرات زیرین فرهنگی ما را تغییر دهد و در این جریان جنگ فرهنگی موفق عمل کرده است و ما ضعف‌هایی در این حوزه داشته‌ایم. حالا اینکه ما چطور زمینه‌سازی کنیم برای مسئله حجاب یا پیش‌زمینه ایجاد کنیم، همانطور که در کتاب گفتم، در کار فرهنگی ما باید از طرح‌های انفجاری و از جوگیری فرهنگی پرهیز کنیم، باید با یک سیاستگذاری کلان، برنامه‌ریزی دقیق و طبیعتاً بلندمدت و البته با صرف هزینه کافی و مناسب به فرهنگ‌سازی در این حوزه بپردازیم و پاسخ تهاجم دشمن را محکم در این حوزه بدهیم اما این مسئله زمانبری است.

آیا بخشی از عدم تأثیرگذاری فعالیت‌های فرهنگی به بی‌توجهی به این عوامل مثل پارامترهای اقتصادی برنمی‌گردد که طبیعتاً خستگی کار گزاران و فعالان فرهنگی را در پی خواهد داشت؟

من معتقدم مشکلات اقتصادی در حوزه کار فرهنگی دو بخش است. یکی مشکلات شخصی فعال فرهنگی و یکی هم مشکلات مجموعه‌های فرهنگی است. معمولاً آن چیزی که باعث می‌شود فعال فرهنگی در حوزه اقتصاد خسته شود از نوع اول است، یعنی مشکلات شخصی اقتصادی باعث کاهش راندمان فعال فرهنگی و نهایتاً رکود کامل است. علت‌های آن را هم باز ما در آن کتاب پرداختیم

آسیب‌ها و اختلالات ناشی از ضعف سامانه‌های فرهنگی نهاده‌ها و دستگاه‌های تصمیم‌ساز و مجری است. جبهه فرهنگی انقلاب به تشکیلات قوی و منسجم و روزآمد، حذف بوروکراسی، نوسازی و نوزایی فرهنگی متناسب با نیازهای روز و پدیده‌های نوین نیازمند است تا با فهم درست کار فرهنگی و تربیتی و پرهیز از خرافات و تناقضات عقلی به نوسازی ساختارها، تشکیلات فعال فرهنگی و رشد، توسعه و فعال‌سازی این سامانه‌ها کمک کند

و اشاره کردیم فردی که دارد کار فرهنگی می‌کند، نباید از فعالیت‌های شخصی و از اهداف و برنامه‌ریزی‌های شخصی خودش باز بماند، باید برای تحصیلات، ازدواج، شغل و مسائل اقتصادی خودش برنامه‌ریزی داشته باشد. آن افرادی که غرق کار فرهنگی می‌شوند و اهداف شخصی خودشان را فراموش می‌کنند، بعد از ۱۰سال کار فرهنگی نگاه می‌کنند می‌بینند هم‌سن و سال‌های‌شان در عرصه‌های اقتصادی به جاهای خوبی رسیده‌اند اما آنها هیچ و سرشان بی‌کلاه مانده و هیچ اتفاقی در این حوزه برای‌شان نیفتاده است، چون اهداف شخصی خودشان را فراموش کرده‌اند و بعد می‌بینید که کار فرهنگی را رها می‌کنند و احساس یأس و ناامیدی به ایشان دست می‌دهد که ما نسبت به رفقای خودمان عقب مانده‌ایم. نباید به یک مدرک یا یک عرصه فعالیت اکتفا کرد، اما درباره مشکلات نوع دوم، یعنی مجموعه‌هایی که خودشان مشکل اقتصادی دارند، در اینجا نگاه اقتصادی متفاوتی دارم و آن هم این است که کار فرهنگی اگر خالصانه باشد و باهمان حداقل امکانات و مشکلات اقتصادی شروع شود، کم‌کم جای خودش را باز می‌کند و خداوند متعال برکت می‌دهد و وقتی آن غیرت شما در این کار می‌بیند، تلاش شما در این کار می‌بیند، برکت می‌دهد به کار شما و امکانات و بوجه به سمت شما می‌آید و این شدنی است. این چیزی است که ما با پوست و گوشت در کف کار فرهنگی در میدان فرهنگی لمس کرده‌ایم و این همان چیزی است که مقام معظم رهبری می‌فرمایند که اگر شما حرکت کنید، خدا راه را برای شما باز می‌کند، بنابراین معتقدم در حوزه اقتصادی اگر مشکل شخصی داریم، ما باید برای حوزه اقتصادی خودمان مثل همان حوزه فرهنگی خودمان که داریم در آن کار می‌کنیم، برنامه‌ریزی کنیم. بدون توقف اینها را ببریم جلو و هیچ کلام نباید بر آن بکنی غلبه پیدا کند اما اگر مجموعه ما مشکل مالی دارد، من معتقدم اگر ما تلاش کنیم، خالصانه کار کنیم، خداوند متعال در این حوزه هم راه‌هایی را برای ما باز می‌کند که البته گاهی اوقات پیدا کردن این راه‌ها هم نیاز به مشورت با متخصصان دارد. گاهی اوقات در حوزه اقتصادی در فرهنگ برخی فکرمی‌کنند پول درآورند از حوزه فرهنگی ایراد دارد. با اخلاص منافات دارد، خب این نگاه باید تغییر کند. گاهی اوقات نیاز به این است که بشینیم، فکر و بومی‌سازی کنیم. برای مجموعه خودمان ببینیم چگونه می‌توانیم از این مجموعه تولید ثروت کنیم، هم فرهنگ‌سازی و هم تولید ثروت کنیم. به عبارتی دیگر کار فرهنگی باید پیوسته اقتصادی هم داشته باشد اما باید خیلی حواس‌مان باشد که خدایی نکرده اقتصاد و سوداگری بر فرهنگ غلبه پیدا نکند.

شما در این پژوهش چه عواملی را در رکود کار فرهنگی دلزدگی مؤثر دانسته‌اید؟

بررسی و تجربیات من و نتایج تحقیقاتم نشان می‌دهد نداشتن هدف و سردرگمی در هدف، عدم استمرار در فعالیت، بی‌توجهی به معنویات و دعا و توسل، نداشتن خلاقیت و نگرش هنری، کارهای جزیرهای، مستقل و متفرق، طرح‌های هیجانی و ناگهانی، کمیت‌گرایی و نبود کار متخصص و عدم کادرسازی بخشی از عوامل رکود و خستگی فرهنگی متصدیان و فعالان این عرصه است. اینها آسیب‌هایی است که باید رفع شود.

آیا فعالیت فرهنگی جبهه انقلاب الان دچار رکود و تکرار مکررات است، چرا تنوع و تخصص دست‌کم گرفته می‌شود؟

من همیشه این دغدغه را داشته‌ام که چرا در جبهه انقلاب

این همه وقت و امکانات و از همه مهم‌تر نیروی عظیم

انسانی که می‌شد با آن کارهای بزرگ و تأثیرگذار کرد تا

کشور و حتی دنیا را تکان داد، در حال هدررفتن است؟ چرا

این لشکر باصفا دنبال هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق

و بلندمدت نیستند؟ چرا بسیاری از کارهای فرهنگی

نامنظم و در هم ریخته است؟ قطعاً ضرر و سرمایه‌سوزی

در کار فرهنگی با کار اقتصادی قابل مقایسه نیست، در

عرصه فرهنگی هر اشتباه، خسار، کوتاهی و زبانی موجب

خسارات و لطمات جبران‌ناپذیر است، بنابراین باید در

این عرصه اندیشید و از افراد با تجربه و نخبه بهره گرفت.

کاستی‌ها را شناسایی کرد و برنامه بلندمدت داشت. این

آسیب‌ها و اختلالات ناشی از ضعف سامانه‌های فرهنگی

نهاده‌ها و دستگاه‌های تصمیم‌ساز و مجری است. جبهه

فرهنگی انقلاب به تشکیلات قوی و منسجم و روزآمد،

حذف بوروکراسی، نوسازی و نوزایی فرهنگی متناسب با

نیازهای روز و پدیده‌های نوین نیازمند است تا با فهم

درست کار فرهنگی و تربیتی و پرهیز از خرافات و تناقضات

عقلی به نوسازی ساختارها، تشکیلات فعال فرهنگی و

رشد، توسعه و فعال‌سازی این سامانه‌ها کمک کند.

فراسو



برلیناله با اعتراض به ترامپ آغاز کرد

تیلدا سوینتون در مراسم افتتاحیه هفتادویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلیناله با دریافت خرس طلایی افتخاری برای یک عمر دستاورد هنری تحلییل شد وی در حالی که جایزه خود را در دست گرفته بود، در سخنانی به خشونت دنیای امروز

اعتراضی کرد و گفت: رفتارهای غیرانسانی دارد در برابر چشمان ما رخ می‌دهد.

این بازیگر برنده اسکار در یک سخنرانی شاعرانه، جشنواره برلین را به عنوان قلمروی بدون مرز و بدون تمرکز بر سیاست طرد، آزار و شکنجه یا تبعید تحسین و از دنیای سینما به عنوان «دولت مستقل بزرگ سینما» یاد کرد که دولتی ذاتاً فراگیر است و در برابر تلاش‌هایی که برای اشتغال، استعمار، تصاحب، مالکیت یا توسعه به زور برای ایجاد «رئوس» صورت می‌گیرد، پاسخ می‌دهد. او

این سخنان ضربتی آشکار به برنامه‌های اعلام‌شده دونالد ترامپ برای نوار غزه وارد کرد. وی سپس اظهار کرد: کشتار جمعی دولتی در سطح بین‌المللی فعال شده و موجب وحشت جهان ما می‌شود. سوینتون با تأکید گفت: اینها حقایق هستند، بنابرین برای شفافیت بیشتر

بیاید از آنها یاد کنیم. از اقدامات غیرانسانی که در حال رخ دادن است. من اینجا هستم تا بدون تردید از اتهام‌برم و همبستگی بی‌درغ خود را با همه کسانی که در برابر دولت‌های معاد به طمع، به سایر خواران و جنایتکاران جنگی، از هر کجا که آمده‌اند، مبارزه می‌کنند، ابراز کنم.

وی سخنانش را چنین به پایان برد: زنده بمان سینما و تمام وعده‌های بی‌پایانش، نوری در تاریکی که هرگز خاموش نمی‌شود. برلیناله امسال رنگ و بویی سیاسی‌تر از همیشه دارد و در بحبوحه ناآرامی‌های سیاسی در آلمان برگزار می‌شود که در آستانه انتخابات سراسری است. این انتخابات با ظهور حزب راستگرای آلترناتیو برای آلمان (AfD) و با موضع‌گیری ضمه‌هاجران این حزب جنجال

ایجاد کرده است. گرچه فعلاً اسرارآیل و فلسطین وارد آتش‌بس شده، اما شرایط غزه همچنان شکننده است و هفته پیش ترامپ طرحی برای خروج فلسطینیان از این سرزمین و تبدیل آن به «ریویرای خاموشانه» ارائه کرد.

■ تاد هینز هم به ترامپ تاخت اما پیش از سوینتون این تاد هینز، رئیس هیئت داوران امسال برلین بود که در کنفرانس مطبوعاتی علیه ترامپ صحبت کرد و گفت: در حال حاضر در یک وضعیت بحرانی خاص در امریکا و همچنین در سطح جهان هستیم.

وی با تأکید بر اینکه همه ناگزانی اقدامات متعدد دولت ترامپ در سه هفته اولش را دنبال می‌کنند، گفت: ایجاد حس بی‌ثباتی و هراس در بین مردم

استراتژی اوست و بسیاری از افرادی که به این رئیس‌جمهور رای دادند، خیلی زود از توهم وعده برای ثبات اقتصادی بیرون می‌آیند. هینز همچنین گفت: تأثیر بازگشت ترامپ بر فیلمسازی بررسی‌اش

است که فراتر از دنیای فیلمسازی می‌رود و باید دید چگونه می‌توان شرافتمندانه از عقاید شخصی دفاع و در برابر این مسائل موضع‌گیری کرد، به‌ویژه در دنیای فیلمسازی که بحث سرمایه‌گذارانی به میان می‌آید که باید خطر کنند.

سوینتون بارها در برلیناله حضور داشته و بازیگر ۲۶فیلم از جمله «کاراواجو» است که سال ۱۹۸۶ برنده خرس طلایی شده است. او سال ۲۰۰۹ ریاست هیئت داوران برلیناله را بر عهده داشت.

این جایزه از سوی ادوارد برگر، کارگردان «مجموع است در فیلم» «تصنیف یک بازیکن کوچک» باهم

همکاری کنند. برگر با اشاره به هینز که در میان جمعیت حاضر بود و با سوینتون در فیلم «هن آنجا نیستیم» همکاری کرده بود، گفت: تیلدا سوینتون آنقدر خوب است که بسیاری از کارگردانان دوباره با او همکاری می‌کنند، جز تاد هینز که فکر می‌کنم در آینده چنین کاری را خواهد کرد.

برگر گفت که درباره فیلم‌های سوینتون به این نتیجه رسیده که برای او فیلمساز در اولویت است،

برای او فیلم خوب از نوع رابطه با خلق آن رشد

می‌کند و با اجرای خود مخاطب را به دنیاهای

مختلف می‌برد. در حالی که سوینتون از این سخنان متأثر شده بود، برگر اضافه کرد: تئاتری

بودن شما را دوست دارم، زیرا برای شما شکست

خوردن بهتر از این بودن است. سوینتون جایزه

اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن را برای بازی

در فیلم «مایکل کلیتون» در سال ۲۰۰۷ دریافت

کرده است.